

تحلیل هویت ژئوپلیتیک آسیای مرکزی با استفاده از نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی

علی اکبر دبیری¹

ویژگی‌ها و میزان وابستگی جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و همچنین سیاسی_امنیتی یک کشور به یک منطقه یا کشوری دیگر هویت ژئوپلیتیک آن را مشخص می‌کند. در واقع، منظور از هویت ژئوپلیتیک این است که یک کشور به چه سیستم منطقه‌ای تعلق دارد. در این میان هویت ژئوپلیتیک کشورهای آسیای مرکزی به دلیل وابستگی متعدد و مختلف جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی با مناطق و کشورهای پیرامونی از ویژگی‌های منحصر به فرد و چندگانه‌ای برخوردار است. در این مقاله با استفاده از نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی ضمن شناسایی میزان وابستگی کشورهای آسیای مرکزی به قدرت‌های پیرامونی (روسیه، چین و ایران) هویت ژئوپلیتیک این منطقه نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: آسیای مرکزی، هویت ژئوپلیتیک و منطقه ژئوپلیتیک.

مقدمه

¹ دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

آسیای مرکزی در طول تاریخ با عشایر و جاده ابریشم شناخته شده است و مانند مسیری برای پیوند مردم، جابه‌جایی کالا و اندیشه بین اروپا، خاورمیانه، آسیای جنوبی و آسیای شرقی عمل کرده است. در این منطقه بود که قطب‌های توامان تاریخ جهان - یعنی نخستین مراکز تمدن‌های یکجانشین، رمه‌داران و کوچ‌روهای مناطق استپی - نقش کاملی از تاثیر متقابل را اجرا کرده‌اند. منابع طبیعی منطقه واجد تمام پیش شرط‌های لازم برای شکوفایی تمدن‌ها و صنعت دامداری بوده است به همین دلیل این منطقه جغرافیایی با نوع فرهنگ خاص و تحولات ویژه تاریخی پیوستگی نزدیکی دارد. (یونسکو، 1374: 1) آسیای مرکزی در جغرافیای کنونی جهان نیز در نقطه اتصال دو قاره آسیا و اروپا قرار گرفته و موقعیت جغرافیایی بسیار مهمی برخوردار می‌باشد. عواملی مانند ارزش ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آسیای مرکزی، منابع و ذخایر فراوان نفت و گاز خزر، موقعیت ارتباطی و ارزش استراتژیک دریای خزر، کنترل تولید منابع و خطوط لوله انرژی، توان تاثیرگذاری بر بحران‌های منطقه و علائق مشترک فرهنگی، تاریخی و اقتصادی میان کشورهای منطقه با همسایگان (افشردی، 1381: 6) از جمله دلایل اهمیت این منطقه به شمار می‌آید. بنابراین می‌توان اهمیت آسیای مرکزی را در نظریه‌های ژئوپلیتیک ناشی از دلایل زیر دانست:

- ویژگی‌های جغرافیایی و قرار گرفتن در قلب اوراسیا و قلمرو ژئواستراتژیک بری،
- موقعیت جغرافیایی در مجاورت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی از جمله: روسیه، چین، هند، ایران و پاکستان؛
- دارا بودن منابع قابل توجه نفت و گاز و مواد کانی و غیر کانی از جمله اورانیوم؛
- ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی و قرار گرفتن در پیکره جهان اسلام؛
- ویژگی‌های داخلی مانند: بی‌ثباتی سیاسی و حکومت‌های شکننده، قاچاق مواد مخدر، شیوع افراط‌گرایی اسلامی و نیز بحران‌های قومی، زیست محیطی و آب؛
- و بالاخره منافع، اهداف و رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در آسیای مرکزی. (دبیری، 1390: 80-81) با وجود اهمیت و جایگاه آسیای مرکزی در نظریه‌های مختلف ژئوپلیتیک نمی‌توان هویت ژئوپلیتیک مجزا و ثابتی را برای این منطقه در قرن بیست و یکم در نظر گرفت. وابستگی متفاوت و متعدد آسیای مرکزی در زمینه‌های جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی - امنیتی با قدرت‌ها و کشورهای پیرامونی موجب شکل‌گیری هویت ژئوپلیتیک متغیر و چندگانه در این منطقه شده است. به طوری که در

جدیدترین نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی، کوهن، منطقه آسیای مرکزی در قرن بیست و یکم هم به عنوان قسمتی از کمر بند شکننده و هم شامل یک منطقه دروازه‌ای می‌باشد. در ادامه تلاش شده است با استفاده از نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی و ارزیابی میزان وابستگی کشورهای آسیای مرکزی با قدرت‌های پیرامونی (ایران، روسیه و چین) هویت ژئوپلیتیک این منطقه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

چارچوب نظری

نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهان

این نظریه توسط سائل بی کوهن جغرافیدان معاصر آمریکایی ارائه شده است. کوهن در قالب این سیستم الگوی توزیع قدرت، روابط قدرت بین اجزاء سیستم، سطح بندی سیستم و ساختار فضایی سیستم را توضیح می‌دهد. الگویی که او ارائه می‌دهد از پویایی برخوردار است و ایستا نیست چون سیستم باز بوده و در چارچوب روابط گسترده و متقابل بین اجزای انرژی مبادله شده و انتروپی سیستم کاهش می‌یابد. کوهن کشورهای جهان را براساس ده عامل از نظر انتروپی سنجش کرد که عبارت هستند از میزان پس‌انداز، تولید کشاورزی، تولید صنعتی، صادرات تحقیقات، تعداد دانشمندان، تعداد مهندسين، کاهش دیون، کاهش وابستگی به سوخت فسیلی، مبادله علمی و تعداد اختراعات ثبت شده. بر این اساس او کشورها و مناطق جهان را در چهار گروه انتروپی خیلی بالا، بالا، متوسط و پائین سطح بندی کرد. (Cohen, 1994: 23-28)

از نظر وی منطقه آمریکای جنوبی و جنوب صحرای آفریقا از انتروپی خیلی بالا برخوردارند و می‌توانند یکی از کانون‌های بحران‌خیز جهان باشند مگر این که در مسیر فرایندهای توسعه و ارتباط قرار گیرند. بعد از آن شرق و جنوب آسیا دارای انتروپی بالا بوده و در درجه دوم قرار دارند. در درجه سوم مناطق با انتروپی متوسط قرار دارند که عبارت می‌باشند از خاورمیانه، اروپای شرقی و قلمروهارتلند(روسیه). در درجه چهارم مناطق با انتروپی کم قرار دارند که عبارت هستند از آمریکا شمالی و کارائیب، اروپای غربی (اتحادیه اروپا)، آسیای ساحلی و اقیانوس آرام (ژاپن، کره). مناطق با انتروپی پائین بیشترین سطح ارتباط و تعامل را به ویژه در حوزه اقتصاد، تجارت، علم، فناوری، اطلاعات و غیره داشته و به صورت سیستم‌های باز عمل می‌کنند و قدرت‌های درجه اول جهان را تشکیل می‌دهند؛ زیرا

هر چه درجه انتروپی کمتر باشد قدرت ملی کشور بیشتر است. کوهن کشورهای جهان را بر اساس قدرت ملی آنها به سه گروه تقسیم می‌کند. گروه اول آنهایی هستند که قدرت ملی آنها برد جهانی دارد مانند آمریکا، گروه دوم آنهایی که قدرت ملی آنها برد منطقه‌ای دارند مانند هند و گروه سوم دارای قدرت ملی در سطح محلی می‌باشند. این سه سطح قدرت ملی در یک منطقه جغرافیایی، هویت ژئوپلیتیک آن را شکل می‌دهد. در واقع، جوهر ژئوپلیتیک یک منطقه را ترکیب درونداد این سه سطح قدرت تشکیل می‌دهد.

از طرفی کوهن معتقد است، سیستم ژئوپلیتیک جهان تحت تاثیر مجموعه‌ای از متغیرها از انسجام و پیوستگی برخوردار می‌شود. این متغیرها عبارت هستند از جریان سرمایه، فناوری، نیروی انسانی، صنعت تخصصی شده، تولیدات، ارتباطات ماهواری، رایانه‌ای و حمل و نقل. (Ibid:26)

ساختار فضایی سیستم ژئوپلیتیک جهان که از سوی کوهن ارائه شده است. دارای اجزای زیر است:

الف: مناطق ژئواستراتژیک که در بالاترین سطح قرار داشته و شامل دو قلمرو ژئواستراتژیک بری و بحری می‌شود.

1- قلمرو ژئواستراتژیک بحری یا دریایی که متکی بر تجارت و حمل و نقل دریایی بوده و سرشتی برون‌گرا داشته و 70 درصد تجارت جهانی را در اختیار دارد.
2- قلمرو ژئواستراتژیک بری که بر اوراسیا (چین و شوروی) تطبیق می‌کند و سرشتی درون‌گرا داشته و حدود 10 درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص می‌دهد و سیستم آن بسته‌تر است.

کوهن در تکامل و تکمیل نظریه خود، جهان را در قرن 21 به سه حوزه ژئواستراتژیک تقسیم کرده است: حوزه دریایی تجارت محور آتلانتیک و پاسفیک، هارتلند اوراسیایی روسیه قاره ای و حوزه قاره‌ای - دریایی آسیای شرقی. (کوهن، 1387: 84-85) که محوریت سومین حوزه ژئواستراتژیک را چین در اختیار دارد.

ب: کمربندهای شکننده¹: کوهن در نظریه خود درباره ساختار ژئوپلیتیک جهان قائل به دو یا سه کمربند شکننده یعنی خاورمیانه، جنوب شرق آسیا و آفریقای استوایی بود. این مناطق

¹. Shatter Belts

به عنوان کانون نفوذ قدرت‌ها و وجود فرآیندهای رقابت بین آنها شناخته می‌شد. از این رو شبیه منطقه تصمیم در نظریه قدرت هوایی سورسکی به نظر می‌رسید. (Dikshit, 1995: 129) کوهن پس از جنگ سرد تنها خاورمیانه را منطقه‌ای شکننده دانسته و دو منطقه جنوب شرق آسیا و جنوب آفریقا را جزو قلمرو ژئواستراتژیک بحری می‌داند.

ج: کشورها و مناطق گذرگاهی: کشورهایی هستند که تسهیل‌کننده ارتباط بین دو قلمرو ژئواستراتژیک یا دو منطقه ژئوپلیتیک می‌باشند. نظیر منطقه اروپای شرقی و آمریکای مرکزی که این مناطق در پیوستگی و انسجام و تکامل سیستم نقش برجسته‌ای را به عهده دارند.

د: منطقه ژئوپلیتیک مستقل: این منطقه بر شبه قاره هند تطبیق می‌کند و در قلمرو ژئواستراتژیک جای نمی‌گیرد. این منطقه حالت دوگانه داشته و حدود 8 تا 10 درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص می‌دهد. قطب برجسته این منطقه هند است که در حال ارتقاء برای تبدیل شدن به سومین قلمرو ژئواستراتژیک جهان می‌باشد. (Ibid: 28)

هویت ژئوپلیتیک

منظور از هویت منطقه‌ای این است که یک کشور به چه سیستم منطقه‌ای تعلق دارد. در واقع، ویژگی‌های ژئوپلیتیک، سیاسی - امنیتی، تاریخی و فرهنگی و همچنین اقتصادی یک کشور و میزان وابستگی به یک منطقه، هویت جغرافیایی و ژئوپلیتیک آن را مشخص می‌کند.

تعریف هویت ژئوپلیتیک، یکی از موضوعات مهم سیاست و حکومت است. در طول دهه‌های گذشته حکومت‌های مختلف از هویت ژئوپلیتیک برای حفظ موقعیت قدرت و مشروعیت خود در نزد ملت‌ها و در روابط با قدرت‌های بزرگ استفاده کرده‌اند. به عنوان نمونه، پاکستان همواره در تعیین هویت ژئوپلیتیک خود دچار گرفتاری بوده است در حالی که ملت پاکستان، نخبگان فرهنگی و روشنفکران آن با نگاه توسعه‌ای سعی در اتصال پاکستان به هویت فرهنگی - سیاسی آسیای جنوبی و انرژی و توسعه اقتصادی داشته‌اند در مقابل نخبگان اجرایی و حکومت‌های پاکستان سعی دارند خود را به هویت خاورمیانه‌ای و جهان اسلام متصل کنند (Haqqani, 2004: 91-92) در مورد آسیای مرکزی مسئله هویت منطقه‌ای کمی متفاوت است برای این که کشورهای این منطقه دارای پیوستگی مختلفی با مناطق مختلف از جمله قلمرو هارتلند روسیه، جنوب و شرق آسیا و همچنین

جنوب غربی آسیا می باشند به همین دلیل این منطقه دارای هویت ژئوپلیتیک پویا و غیر ثابتی می باشد.

منطقه ژئوپلیتیک

کانتوری^۱ و اشپیگل^۲ منطقه را حوزه‌ای از کره خاکی که در برگیرنده شماری کشورهای نزدیک به هم از نظر جغرافیایی می باشند، می دانند. به گونه‌ای که آن کشورها در سیاست خارجی خود روابط متقابل برقرار سازند. (Cantori and Spiegel, 1970: 4) یک منطقه در جغرافیا هنگامی قابل تشخیص است و هنگامی از یک شخصیت جغرافیایی یکپارچه و متمایز از دیگر مناطق برخوردار است که عوامل پیوند دهنده اجزای آن به خوبی آشکار و قابل شناسایی باشد. (مجتهدزاده، 1379: 42) بنابراین منطقه ژئوپلیتیک بر پایه یک منطقه یا فضای جغرافیایی متجانس از حیث ساختاری و کارکردی شکل می گیرد. پیدایش منطقه ژئوپلیتیک مستلزم باردار شدن سیاسی منطقه جغرافیایی و عناصر آن است. به عبارتی اگر عناصر کارکردی و ساختاری یک منطقه جغرافیایی به صورت انفرادی و اجتماعی یا به صورت ناقص یا کامل از بعد سیاسی نقش آفرین شود، منطقه جغرافیایی تغییر ماهیت داده و به صورت یک منطقه ژئوپلیتیک در صحنه ظاهر می شود. در یک منطقه ژئوپلیتیک عوامل طبیعی و انسانی کارکرد سیاسی داشته و نظر دولت‌ها و کشورهای درون منطقه یا برون منطقه را به خود جلب می کند و کنش و واکنش آنها را بر می انگیزاند به طوری که آنها بخشی از الگوهای رفتاری خود را نسبت به آن عناصر شکل می دهند. منطقه ژئوپلیتیک بستر ساز شکل گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون منطقه‌ای است. (حافظ نیا و کاویانی‌راد، 1383: 75) آسیای مرکزی یک منطقه جغرافیایی است که بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به دلیل کارکرد سیاسی عوامل جغرافیایی موجود و شکل گیری رقابت‌های سیاسی به یک منطقه ژئوپلیتیک پویا تبدیل شد.

هویت ژئوپلیتیک آسیای مرکزی

بر اساس نظریه کوهن، کشورهای آسیای مرکزی از نظر انتروپی در حد متوسط قرار دارند و جزو قلمرو ژئواستراتژیک بری محسوب می شوند. همچنین قدرت ملی آنها دارای بردی با

¹. Cantori

². Spiegel

مقیاس محلی می‌باشند؛ اما بعد از فروپاشی نظام دو قطبی، جنگ سرد و تغییر و تحولات به وجود آمده در نظام ژئوپلیتیک جهانی که به دلیل تغییرات قدرت صورت گرفته است، آسیای مرکزی یک منطقه دروازه ای و همچنین بخشی از کمربنده شکننده را شامل می‌شود. از آنجایی که این مناطق به هیچ یک از قلمروهای ژئواستراتژیک تعلق ندارند و دارای هویت ژئوپلیتیک جداگانه‌ای می‌باشند به نظر می‌رسد کشورهای آسیای مرکزی به دلیل سیاست ژئوپلیتیک موجود در منطقه، هویت ژئوپلیتیک چندگانه و متغیری را داشته باشند. بنابراین به دلیل وجود درجه چشمگیری از همسانی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان کشورهای آسیای مرکزی با همسایگان (Lake and Morgan, 1997: 26) برای تشخیص هویت ژئوپلیتیک کشورهای آسیای مرکزی؛ شناسایی میزان وابستگی جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی - امنیتی و اقتصادی این منطقه به کشورهای پیرامونی الزامی است.

وابستگی جغرافیایی - اقتصادی

نزدیکی مرزهای جغرافیایی مهم‌ترین و رایج‌ترین عامل پیدایش یک سامانه منطقه‌ای است. وجود یک عامل جغرافیایی پدید آورنده منافع مشترک و متضاد برای گروهی از کشورها است که می‌تواند زمینه ساز پیدایش سامانه منطقه‌ای باشد. در این میان کشورهای آسیای مرکزی که سرزمین پهناوری در قاره‌ی آسیا را در بر گرفته‌اند با جمعیتی نزدیک به 60 میلیون نفر و 3994400 کیلومتر مربع مساحت، موقعیت برجسته‌ای در نقشه جهان دارند. (شربانی، 1387: 93) علاوه بر این کشورهای این منطقه طولانی‌ترین مرزهای خود را با سه کشور روسیه، قزاقستان و ایران دارا می‌باشند که زمینه جغرافیایی مناسبی برای تعامل، ارتباط و همکاری به شمار می‌آید.

اگرچه کشورهای آسیای مرکزی دارای برخی ظرفیت‌های طبیعی و جغرافیایی مانند داشتن منابع عظیم نفت و گاز، زغال سنگ، اورانیوم، منابع متعدد معدنی و استعدادهای کشاورزی می‌باشند (فولر، 1373: 186)، اما از مزیت‌های ژئوپلیتیک و جغرافیایی وسیعی برخوردار هستند که دو مورد از مهم‌ترین آنها مسیر کریدوری و ارتباطی و همچنین دسترسی به آب‌های آزاد جهان می‌باشد. کشورهای آسیای مرکزی به دلیل فقدان مرز دریایی و امکان دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد در این زمینه به شدت به همسایگان خود وابسته هستند.

بر اساس نظریه نظام ژئوپلیتیک جهانی، شدت حضور یک کشور در تجارت بین‌المللی بازتابی از زمینه دریایی و قاره‌ای آن می‌باشد. (کوهن، 1387: 86) از آنجایی که دسترسی به دریاهای آزاد یک از مؤلفه‌های هویت ژئوپلیتیک کشورها به شمار می‌آید، بنابراین کشورهای آسیای مرکزی از این منظر کشوری قاره‌ای محسوب می‌شوند؛ اما وابستگی کشورهای آسیای مرکزی به کشورهای همسایه در زمینه ارتباطات دریایی بخشی دیگر از هویت منطقه‌ای آنها را آشکار می‌کند که در این زمینه بیشتر به سه کشور ایران، روسیه و چین وابسته می‌باشند.

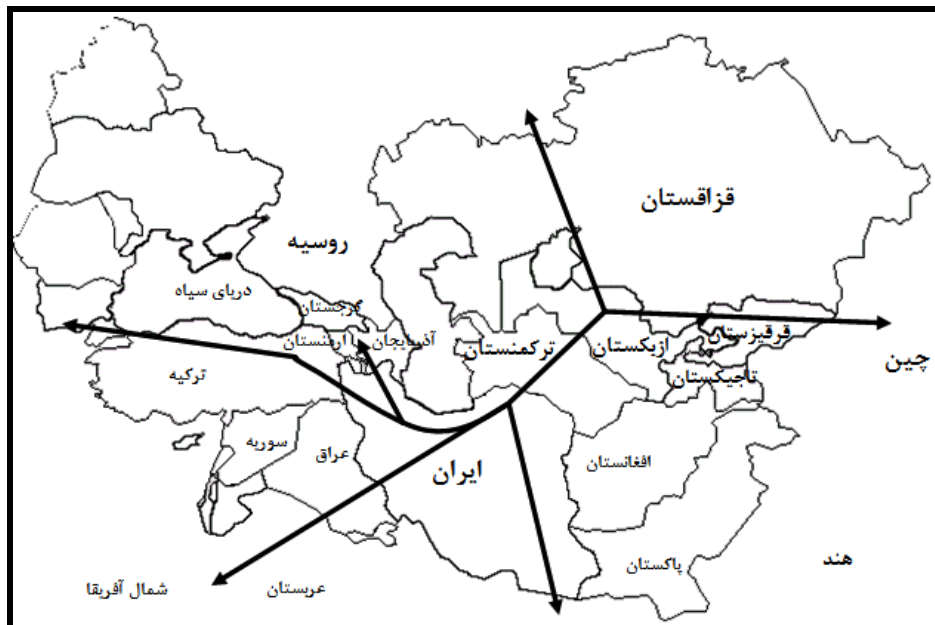
مسیر ایران

موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی به شکلی است که با یکدیگر دارای نوعی وابستگی ژئوپلیتیک¹ دارند. این وابستگی متقابل جغرافیایی، فلسفه همکاری و تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم سیاسی جهان است. (حافظ نیا، 1385: 146)

از طرفی ایران دارای موقعیت بسیار مناسبی در زمینه انتقال انرژی، کالا و مسافر کشورهای آسیای مرکزی از طریق خلیج فارس به بازارهای جهانی است و همچنین می‌تواند انرژی این منطقه را بدون عبور از روسیه به اروپا منتقل کند و از وابستگی ژئوپلیتیک این کشورها به روسیه بکاهد که این امر مورد حمایت کشورهای اروپایی نیز خواهد بود. مسیر ایران، اقتصادی‌ترین و امن‌ترین و کوتاه‌ترین راه انرژی منطقه است و شبکه راه آهن ایران نیز توان ترانزیت 20 میلیون تن کالا را در سال دارند. از سویی ایران نقش کلیدی در شاهراه‌های موجود منطقه یعنی جاده ابریشم، راه آهن سراسری آسیا، ترانسیکا و کریدور شمال و جنوب دارد. اقتصاد ایران و آسیای مرکزی نیز از توان هم‌تکمیلی جدی برخوردار هستند. اگرچه حجم مبادلات میان ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی نزدیک به یک میلیارد دلار می‌باشد، اما ظرفیت‌های فراوانی برای رشد آن وجود دارد. (سنایی، 1386: 392)

نقشه شماره 1: مزیت‌های متقابل موقعیت جغرافیایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی

¹ Geopolitical Dependency



ترسیم از نگارنده

علاوه بر مزیت‌های موقعیت جغرافیایی ایران برای کشورهای آسیای مرکزی، ویژگی کشورهای آسیای مرکزی نیز مزیت متقابلی برای ایران فراهم می‌آورد، این مسئله از اهمیت مضاعفی برای تبدیل به منافع ملی برخوردار است. راه شمال شرقی برای ایران به دلایل زیر به عنوان یک فرصت متقابل مطرح است:

- 1- احیای جاده ابریشم؛
- 2- دسترسی زمینی به شرق دور و جنوب شرقی آسیا؛
- 3- دسترسی به چین بدون عبور از مسیر رقیب آن یعنی هند؛
- 4- استفاده از بازارهای آسیای مرکزی. (حافظ نیا و دیگران، 1386: 119)

در هر صورت بهره‌گیری از مزیت‌های متقابل موقعیت جغرافیایی بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی زمینه پایداری برای حضور مؤثر و قدرتمند را در منطقه برای ایران فراهم می‌آورد.

مسیر روسیه

کشورهای آسیای مرکزی به دلیل ساختارهای اقتصادی باقی مانده از اتحاد جماهیر شوروی به خصوص شبکه جاده‌ای و ریلی از نظر ارتباطی و حمل و نقل به میزان زیادی به روسیه وابستگی دارند، این امر برای کشور قزاقستان نمود و شدت بیشتری دارد از سوی دیگر سیاست انرژی روسیه در زمینه کنترل بر زیر ساخت‌های استراتژیک انرژی به خصوص خطوط لوله در اروپا و اوراسیا (راعی دهقی، 1386: 229) موجب انحصارطلبی روسیه در زمینه ترانزیت انرژی در این منطقه شده است. تجارت نفت و گاز بین روسیه با قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان طی سال‌های اخیر نقش فزاینده‌ای را ایفا کرده است و بیشتر صادرات انرژی کشورهای آسیای مرکزی توسط زیر ساخت‌های انرژی روسیه صورت می‌پذیرد.

نقشه شماره 2: مسیرهای موجود و پیشنهادی انتقال انرژی در آسیای مرکزی



ترسیم از نگارنده

مسیر چین

اگرچه چین در زمینه دستیابی به دریاهای آزاد برای کشورهای آسیای مرکزی از اولویت برخوردار نمی‌باشد، اما به دلیل این که این کشور یکی از بزرگترین مصرف کنندگان انرژی محسوب می‌شود از نظر اقتصادی و صادرات و فروش انرژی گزینه مناسبی است به طوری که خط لوله قزاقستان - سین کیانگ به طول 3000 کیلومتر، مسیر شرقی خطوط

انتقال انرژی به کشور چین و بازارهای شرق آسیا است. این خطوط باعث افزایش ضریب نفوذ چین در استفاده از منابع غنی انرژی منطقه دریای خزر شده و به رشد اقتصادی این کشور کمک شایانی می‌کند. خط لوله قزاقستان- چین دارای اهمیت استراتژیک خاصی برای چین است. در صورت تکمیل این خط لوله از وابستگی انرژی چین به خاورمیانه و خلیج فارس کاسته می‌شود. در واقع، آسیای مرکزی نزدیکترین و کم هزینه‌ترین منطقه برای چین در جهت استفاده از منابع انرژی است، لذا چین گام‌های بلندی را در این زمینه به ویژه در معامله با قزاقستان صورت داده است. قرارداد 5 میلیارد دلاری بین شرکت ملی نفت چین با قزاقستان، سرمایه گذاری 9 میلیارد دلاری چین در انتقال خطوط انرژی به کشور خود از قزاقستان، خرید سهام شرکت گاز بریتانیا در قزاقستان با ارزش 6.5 میلیون دلار توسط شرکت نفت چین، در این راستا می‌باشد. (اطاعت و نصرتی، 1388: 13)

جدول شماره 1: میزان وابستگی جغرافیایی کشورهای آسیای مرکزی به

سه کشور ایران، روسیه و چین

نام کشور	جمهوری اسلامی ایران	فدراسیون روسیه	جمهوری خلق چین
قزاقستان	متوسط	زیاد	زیاد
ترکمنستان	خیلی زیاد	متوسط	کم
ازبکستان	زیاد	متوسط	متوسط
قرقیزستان	زیاد	متوسط	زیاد
تاجیکستان	زیاد	متوسط	زیاد

جدول شماره 2: میزان وابستگی اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی به

سه کشور ایران، روسیه و چین

نام کشور	جمهوری اسلامی ایران	فدراسیون روسیه	جمهوری خلق چین
قزاقستان	کم	زیاد	خیلی زیاد
ترکمنستان	متوسط	زیاد	زیاد
ازبکستان	کم	زیاد	زیاد
قرقیزستان	کم	زیاد	زیاد
تاجیکستان	کم	زیاد	زیاد

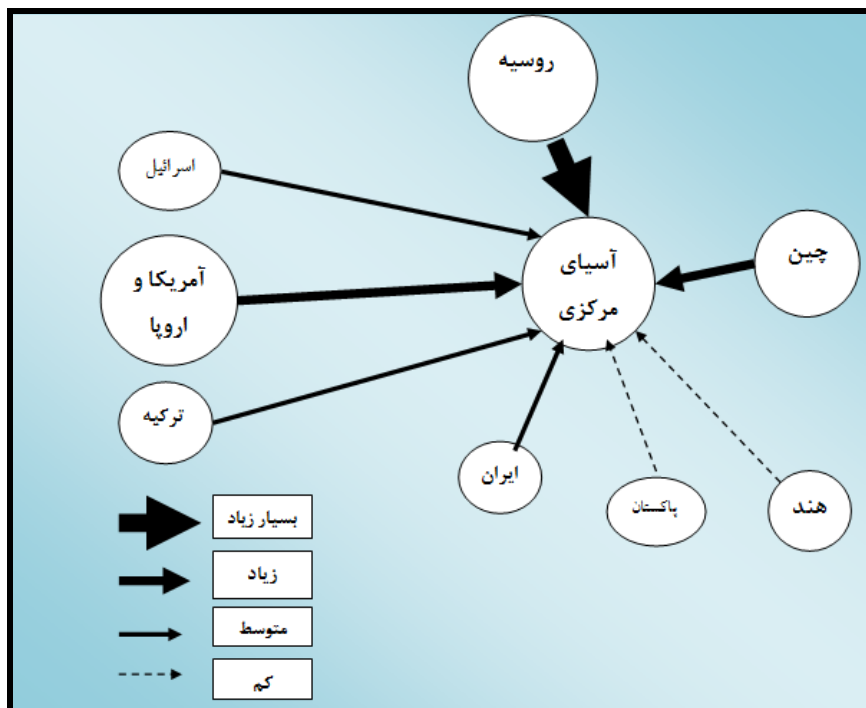
وابستگی سیاسی - امنیتی

وجود تفاوت یا شباهت آشکار میان رژیم‌های سیاسی مستقر در یک حوزه جغرافیایی، زمینه‌ساز شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری یک سامانه منطقه‌ای است. همخوانی رژیم‌های دموکراتیک با یکدیگر در تقابل با همخوانی رژیم‌های اقتدارگرا از جمله متغیرهای موثر در ایجاد سامانه منطقه‌ای است. (بزرگمهری، 1383: 147-148) از آنجایی که نخبگان سیاسی و طبقه روشنفکر در کشورهای آسیای مرکزی نیز معمولاً باقیمانده نظام کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی هستند، این کشورها از نظر سیاسی و امنیتی شدیداً به فدراسیون روسیه وابسته می‌باشند. آسیای مرکزی بخشی از نظر استراتژیک حوزه امنیتی روسیه شمرده می‌شود و حضور قدرت‌های بیگانه در آن خواه ناخواه بر امنیت روسیه تاثیرگذار است. (دیلمی معزی، 1387: 66) در واقع در فضای ژئوپلیتیک روسیه، آسیای مرکزی، قفقاز و شرق اروپا به دلایل اقتصادی، مرز مشترک، ملاحظات امنیتی و روابط تنگاتنگ اجتماعی و فرهنگی خارج نزدیک به حساب می‌آید و از لحاظ منطقه‌ای اولویت اصلی سیاست خارجی روسیه را تشکیل می‌دهد. به طوری که نوع نگاه روسیه به این مناطق باعث خلق مفهوم جدیدی در سیاست امنیتی روسیه به نام آیین مونروئه روسی شده است. بر اساس این مفهوم، روسیه نه تنها دیگران را از دخالت در این مناطق باز می‌دارد، بلکه حق مداخله برای خود در جمهوری‌های تازه استقلال یافته را بر اساس منافع ویژه خود محفوظ می‌دارند. (احمدیان و غلامی، 1388: 9) همچنین روسیه با حفظ این مناطق قادر است که نخست امنیت خود را تامین کند، دوم منافع سیاسی و اقتصادی خود را تامین نماید، سوم با تسلط بر منابع انرژی و حفظ انحصار خود بر آن در مواقع لازم از ابزار انرژی

به عنوان یک اهرم علیه دولت‌های غربی استفاده کند و مهم‌تر از همه این که با حفظ مناطق اطراف خود از نفوذ رقبا به خودسازی از درون بپردازد و زمینه را برای احیای قدرت گذشته خود فراهم آورد. علاوه بر این روس‌ها پس از واگذاری اروپای شرقی و سایر حوزه‌های ژئواستراتژیک همچنان بر حفظ آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان تنها حوزه نفوذ و حیاط خلوت خود اصرار دارند. (داداندیش، 1386: 76) از دیگر نشانه‌های وابستگی سیاسی-امنیتی کشورهای آسیای مرکزی به روسیه عضویت آنها در سازمان‌های سیاسی-امنیتی است که محوریت آنها را روسیه تشکیل می‌دهد از جمله این سازمان‌های منطقه‌ای می‌توان به سازمان همکاری شانگهای، پیمان امنیت جمعی و جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع اشاره کرد.

علاوه بر روسیه چین نیز در سال‌های اخیر نفوذ و حضور خود را در منطقه افزایش داده است و کشورهای آسیای مرکزی روابط سیاسی-امنیتی گسترده تری را با چین برقرار کرده‌اند. ملاحظات اصلی چین در مورد توسعه روابط سیاسی-امنیتی با کشورهای آسیای مرکزی بدین ترتیب است: اول آنکه بخشی از سیاست حاشیه‌ای بزرگتر چین است که بر روابط حسنه با کشورهای همسایه تاکید دارد. دولت چین متوجه است تا زمانی که بخواهد بر توسعه اقتصادی در داخل تمرکز کند باید محیطی امن در اطراف خود داشته باشد؛ دوم آنکه آسیای مرکزی از نظر جغرافیایی به طور مستقیم با افغانستان در ارتباط است که بیش از 25 سال متحمل جنگ بوده و منبع اصلی مواد مخدر و تروریسم است. تروریست‌های بین‌المللی آسیای مرکزی مستقیماً از جدایی طلبانی حمایت می‌کنند که بر تجزیه منطقه خودمختار ایگور سین کیانگ از چین تاکید دارند. سوم آنکه با توسعه اقتصادی سریع چین، نیاز آن به انرژی در سال‌های اخیر افزایش زیادی داشته است. آسیای مرکزی منطقه‌ای نسبتاً غنی از نفت و گاز طبیعی است که می‌تواند تامین کننده اصلی انرژی برای چین باشد. چین از طریق همکاری در زمینه انرژی با کشورهای آسیای مرکزی می‌تواند راهبرد تنوع بخشیدن به منابع واردات انرژی خود و عدم وابستگی صرف به خاورمیانه را تحقق بخشد. (یانگ و سایرین، 1386: 85) در سطح منطقه‌ای، علاوه بر همسایگان چین، تشکل‌های منطقه‌ای از عوامل تعیین کننده و اثرگذار بر سیاست امنیتی و دفاعی چین می‌باشد. (بلوچی، 1386: 57) به همین دلیل چین توسعه و تقویت سازمان همکاری شانگهای با حضور چهار کشور آسیای مرکزی را به سود منافع راهبردی خود دنبال می‌کند.

وابستگی و ارتباطات سیاسی - امنیتی کشورهای آسیای مرکزی با ایران در مقایسه با دو کشور روسیه و چین پائین تر است؛ اما ایران و کشورهای این منطقه دارای دغدغه‌های امنیتی مشترکی نیز می‌باشد. مسئله قاچاق مواد مخدر و شرارت‌های ناشی از آن از جمله چالش‌های مشترک ژئوپلیتیک برای ایران و کشورهای آسیای مرکزی به شمار می‌رود. موقعیت جغرافیایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی که در همسایگی و مسیر ترانزیت بزرگترین کشور تولیدکننده مواد مخدر جهان قرار گرفته‌اند باعث شده که این کشورها در مقابل یک تهدید مشترک ژئوپلیتیک واقع شوند. این کشورها می‌توانند از این تهدید ژئوپلیتیک به عنوان یک فرصت استفاده کرده و برای مقابله با آن دست به یک همگرایی منطقه‌ای زنند. علاوه بر این، رادیکالیسم دینی و افراط‌گرایی اسلامی در منطقه آسیای مرکزی از چالش‌های مشترک امنیتی بین ایران و کشورهای منطقه به شمار می‌آید. قوم‌گرایی نیز یکی دیگر از مهم‌ترین معضلات این جمهوری‌ها می‌باشد که این امر موجب ستیزه‌جویی‌های سیاسی در داخل این جمهوری‌ها و تاثیرات آن بر کشورهای همسایه از جمله ایران می‌شود. (شربانی، 1388: 301) بنابراین به‌رغم وجود زمینه‌های مشترک سیاسی - امنیتی بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی روابط چندان قوی بین آنها شکل نگرفته است. علاوه بر کشورهای پیرامونی قدرت‌های دیگر نیز در منطقه حضور و نفوذ دارند و روابط سیاسی امنیتی را با کشورهای این منطقه برقرار کرده‌اند از جمله این کشورها می‌توان به آمریکا، رژیم صهیونیستی، برخی از کشورهای اروپایی، هند و پاکستان اشاره کرد. (مدل شماره 1)



ترسیم از نگارنده

جدول شماره 3: میزان وابستگی سیاسی - امنیتی کشورهای آسیای مرکزی

به سه کشور ایران، روسیه و چین

نام کشور	جمهوری اسلامی ایران	فدراسیون روسیه	جمهوری خلق چین
قزاقستان	کم	خیلی زیاد	زیاد
ترکمنستان	متوسط	خیلی زیاد	متوسط
ازبکستان	کم	خیلی زیاد	زیاد
قرقیزستان	کم	خیلی زیاد	زیاد
تاجیکستان	کم	خیلی زیاد	زیاد

وابستگی فرهنگی - تمدنی

پیوند میان متغیرهای فرهنگی و خرده فرهنگ‌ها و سیاست خارجی را می‌توان از طریق تاکید بر سه بعد فرهنگی مورد مطالعه قرار داد. نخست شامل اعتقادات و اسطوره‌هایی می‌شود که به تجربه‌های تاریخی یک ملت و رهبران آن و نیز دیدگاه‌هایی که آنها نسبت به نقش و موقعیت جاری کشور خود در عرصه جهانی دارند، ارتباط پیدا می‌کند. دومین مورد به تصاویر و برداشت‌هایی مربوط می‌شود که نخبگان سیاسی و عامه مردم نسبت به سایر ملت‌ها، نواحی دنیا و سایر بازیگران سیاست جهانی در ذهن خویش دارند و بالاخره سومین مورد فرهنگی عادت‌ها و ایستارها نسبت به حل مشکلات به طور اعم و برخورد با اختلاف‌ها و منازعات بین‌المللی به طور اخص می‌باشد. (قوام، 1384: 291) متغیرهای گوناگون مانند قوم، نژاد، پیوندهای تاریخی، زبانی و مذهبی می‌تواند در شکل‌گیری سامانه منطقه‌ای نقش آفرین باشد. از لحاظ فرهنگی - تمدنی کشورهای آسیای مرکزی بیشترین وابستگی پیوستگی را با ایران دارا می‌باشند. این امر در مورد کشورهای تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان نمود بیشتری دارد. اشتراک‌های فرهنگی و تاریخی ایران با کشورهای آسیای مرکزی به گذشته باز می‌گردد. قلمرو جغرافیایی واحد در گذشته باعث گردیده بود که این کشورها رویکرد اقتباسی به فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی داشته باشند. فراوانی مشاهیر که ایرانیان و تاجیک‌ها، ترکمن‌ها، قزاق‌ها و ازبک‌ها به داشتن آن مفتخر هستند، گونه دیگری از اشتراک است. (ابراهیمی ترکمان، 1385: 3-2) چنانچه امروز نخبگان سیاسی این مناطق برای رهایی از بحران هویت شکل گرفته در سرزمین‌های خود و برای کسب وجهه مردمی، بخشی از نهادهای تمدن ایرانی را که در محدوده جغرافیایی و فرهنگی خود یافته، در انحصار ملت خود قرار می‌دهند. (نوروزی، 1385: 7) مردم کشور تاجیکستان عموماً فارسی زبان می‌باشند و تکلم به فارسی دری در میان ایشان رواج دارد. بسیاری از اقوام ساکن در کشور ترکمنستان به ویژه در اطراف عشق آباد و مرو و همچنین در کشور ازبکستان و در شهرهای سمرقند و بخارا با زبان پارسی آشنا هستند. در قزاقستان و قرقیزستان نیز برخی به زبان فارسی گفتگو می‌کنند، لازم به ذکر است که کلمات و لغات فارسی بسیاری وارد زبان بومی آن منطقه شده است. همچنین بزرگداشت نوروز در پنج کشور آسیای مرکزی نشان از میزان تاثیرپذیری آنان از فرهنگ ایرانی دارد. (محمودی، 1386: 10)

علاوه بر ایران حضور بیش از هفتاد ساله کشورهای آسیای مرکزی در پیکره اتحاد جماهیر شوروی و حضور اقلیت‌های قابل توجه روسی در این کشورها موجب شکل‌گیری نوعی پیوند زبانی و فرهنگی با روسیه شده است. به طوری که تا سال‌ها بعد از استقلال نیز بیشتر این کشورها از زبان روسی در مکاتبه‌های اداری خود استفاده می‌کردند. البته این امر در میان کشورهای آسیای مرکزی به یک میزان نیست. همچنین منطقه آسیای مرکزی از دیرباز به دلیل وجود جاده ابریشم با شرق آسیا و چین دارای مراودات فرهنگی بوده است، اما در قرون اخیر به دلیل از بین رفتن اهمیت این جاده ارتباط فرهنگی که از این طریق برقرار می‌گردید، کم رنگ شده است. از دیگر نشانه‌های وجود ارتباط فرهنگی بین چین و کشورهای آسیای مرکزی وجود هفت میلیون مسلمان ترک و ایغور در منطقه سین کیانگ چین است که دارای پیوند فرهنگی، زبانی و دینی با ساکنان آسیای مرکزی می‌باشند؛ اما در مجموع کشورهای این منطقه بیشترین پیوند فرهنگی، زبانی و دینی را با ایران دارا هستند.

جدول شماره 4: میزان وابستگی فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی با

سه کشور ایران، روسیه و چین

نام کشور	جمه‌وری اسلامی ایران	فدراسیون روسیه	جمه‌وری خلق چین
قزاقستان	متوسط	زیاد	متوسط
ترکمنستان	زیاد	متوسط	متوسط
ازبکستان	زیاد	متوسط	متوسط
قرقیزستان	زیاد	متوسط	متوسط
تاجیکستان	خیلی زیاد	متوسط	متوسط

نتیجه گیری

کشورهایی که دارای تقارن جغرافیایی هستند، غالباً مناطق ارتباط دوجانبه و چندجانبه را شکل می‌دهند و سیاست خارجی آنها بر شدت از همدیگر تاثیر می‌پذیرد. هر چه این تقارن جغرافیایی بیشتر باشد، اثرپذیری متقابل بیشتر است و بسته به نوع رابطه متقابل و همانندی سیاسی و فرهنگی و هم تکمیلی اقتصادی انتظار همگرایی بین آنها

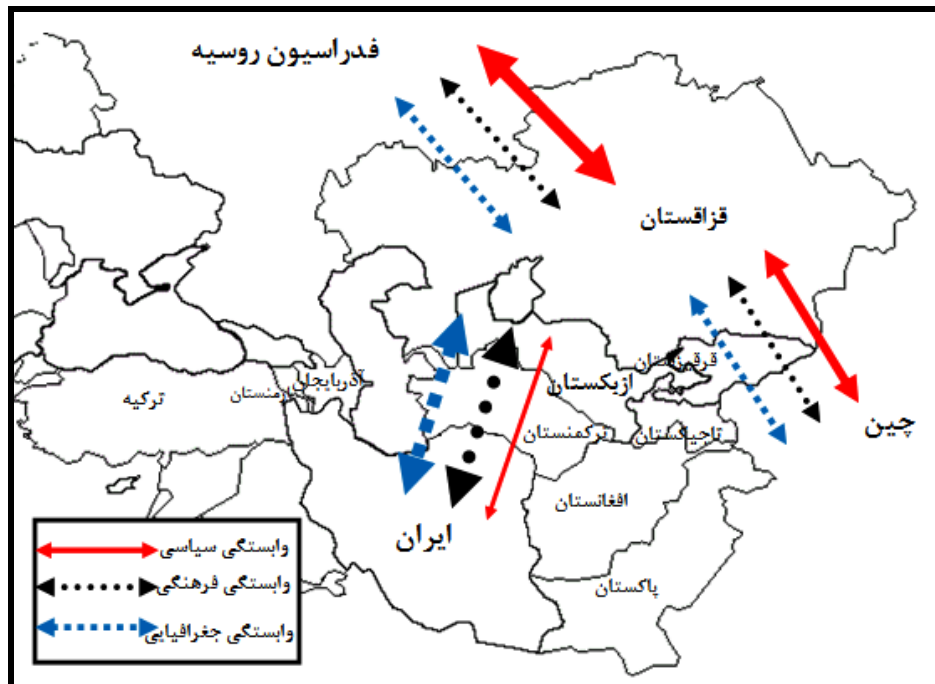
می‌رود. بنابراین ویژگی‌های مشترک جغرافیایی از جمله عواملی است که زیرساخت‌های همگرایی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد. کشورهای آسیای مرکزی نیز با قدرت‌های منطقه‌ای در حوزه‌های ژئوپلیتیک و قلمروهای ژئواستراتژیک پیرامونی خود در زمینه‌های مختلف جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی - امنیتی دارای وابستگی و پیوستگی قابل توجهی می‌باشند. این وابستگی به کشورها و مناطق پیرامونی می‌تواند شاخص مناسبی برای تعیین هویت منطقه‌ای و ژئوپلیتیک به شمار آورد. از نظر جغرافیایی ایران مناسب‌ترین و مطمئن‌ترین گزینه برای کشورهای آسیای مرکزی در زمینه‌های ارتباطی و ترانزیتی به شمار می‌آید. هر چند تاکنون از این ظرفیت جغرافیایی حداکثر استفاده نشده است. البته وابستگی جغرافیایی کشورهای این منطقه به فضای جغرافیایی ایران در شرایط برابری نمی‌باشد و کشور ترکمنستان به دلیل دارا بودن مرزهای طولانی خاکی - آبی بیشترین وابستگی را به موقعیت جغرافیایی ایران دارد و به نوعی مکمل ژئوپلیتیک ایران محسوب می‌شود. روسیه و چین نیز به دلیل دارا بودن مرزهای بسیار طولانی و گسترده دارای پیوند جغرافیایی قابل توجهی با کشورهای این منطقه می‌باشند. روسیه بیشترین ارتباط را با قزاقستان و چین نیز با کشورهای قرقیزستان، تاجیکستان و قزاقستان دارا می‌باشد.

در مورد مؤلفه‌های اقتصادی، اگرچه این کشورها در سازمان همکاری اقتصادی (اگو) که ایران در آن دارای موقعیت مرکزی است عضویت دارند، اما حجم معاملات تجاری کشورهای این منطقه با ایران در شرایط ایده‌آلی نمی‌باشد. روسیه بیشترین حجم و ارزش مراداد اقتصادی با کشورهای این منطقه را در زمینه انرژی و ترانزیت دارد که به نوعی رقیب ایران نیز محسوب می‌شود. چین نیز علاوه بر در اختیار گرفتن بازارهای اقتصادی این کشورها بیشترین مراداد خود در زمینه انرژی را با کشور قزاقستان برقرار کرده است. بنابراین کشورهای آسیای مرکزی در زمینه اقتصادی بیشترین وابستگی را با چین و روسیه دارا می‌باشد.

در مورد مؤلفه‌های اقتصادی - سیاسی بیشترین وابستگی کشورهای آسیای مرکزی به فدراسیون روسیه از طریق پیمان دفاعی - امنیتی برقرار شده است. چین نیز دغدغه‌های امنیتی قابل توجهی مخصوصاً در نواحی شرقی آسیای مرکزی دنبال می‌کند. در واقع، می‌توان گفت، آسیای مرکزی در سیاست‌های دفاعی - امنیتی روسیه و چین از اولویت

برخوردار است. در ارتباط با ایران به‌رغم وجود دغدغه‌های امنیتی مشترک روابط سیاسی- امنیتی با کشورهای این منطقه چندان رشدی را نشان نمی‌دهد. در مورد مؤلفه‌های فرهنگی- تمدنی، کشورهای این منطقه به دلیل شرایط تاریخی بیشترین وابستگی را با ایران دارا می‌باشند که در میان آنها تاجیکستان و شهرهای مهمی از ترکمنستان و ازبکستان بیشترین ارتباط را دارا می‌باشند. وجود اقلیت‌های روس مخصوصاً در کشور قزاقستان و همچنین حضور بیش از هفتاد ساله این کشورها در پیکره اتحاد جماهیر شوروی موجب تاثیرپذیری از فرهنگ روسی شده است. چین نیز به لحاظ تاریخی ارتباطات فرهنگی و تمدنی قابل توجهی را با این منطقه دارا بوده است، اما بعد از کاهش اهمیت جاده ابریشم و قرارگیری این منطقه در قلمرو جغرافیایی شوروی ارتباطات فرهنگی چین با کشورهای آسیای مرکزی کاهش یافت.

نقشه شماره 3: میزان وابستگی ژئوپلیتیک کشورهای آسیای مرکزی با سه کشور ایران، روسیه و چین



ترسیم از نگارنده

در مجموع به نظر می‌رسد، کشورهای آسیای مرکزی بیشترین میزان وابستگی و پیوستگی را در زمینه جغرافیایی و فرهنگی - تمدنی با ایران داشته باشند. در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی - امنیتی بیشترین وابستگی این کشورها به روسیه و چین می‌باشد. بنابراین با توجه به نوع و تعدد وابستگی کشورهای این منطقه با همسایگان خود که دارای هویت‌های ژئوپلیتیک ویژه و متفاوتی می‌باشند؛ منطقه ژئوپلیتیک آسیای مرکزی دارای هویت ژئوپلیتیک چندگانه و پویا می‌باشند.

منابع و ماخذ

1. ابراهیمی ترکمان، ابوذر (1385)، "نقش فرهنگ در روابط ایران و آسیای مرکزی"، ماهنامه تحولات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 41.
2. احمدیان، قدرت الله و غلامی، طهمورث (1388)، "آسیای مرکزی و قفقاز، عرصه تعارض منافع روسیه و غرب"، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره 4، تابستان و پائیز 1388.
3. افشردی، محمد حسین (1385)، "ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.
4. اطاعت، جواد و نصرتی، حمید رضا (1388)، "ایران و خطوط انتقال انرژی حوزه خزر"، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال اول، شماره 3، زمستان و بهار 1387-1388.
5. بزرگمهری، مجید (1383)، "نظام منطقه‌ای در تعامل جبری و اختیاری آن با دیگر سطوح تحلیل"، مطالعات روابط بین الملل، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 207-208.
6. بلوجی، حیدرعلی (1386)، "سیاست دفاعی چین: موضوعات و تحلیل‌ها"، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال پنجم، شماره هفدهم، پائیز.
7. تقوی اصل، عطا (1379)، "ژئوپلیتیک جدید ایران: از قزاقستان تا گرجستان"، تهران، وزارت امور خارجه.
8. حافظ نیا، محمد رضا، شمس دولت آبادی، محمود و افشردی، محمد حسین (1386)، "علايق ژئوپلیتیک ایران در آسیای مرکزی و فرصتهای پیش رو"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم.
9. حافظ نیا، محمد رضا و کاویانی‌راد، مراد (1383)، "افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی"، تهران، انتشارات سمت.
10. حافظ نیا، محمد رضا (1385)، "اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک"، مشهد، انتشارات پاپلی.
11. دبیری، علی اکبر (1390)، "ارزیابی جایگاه آسیای مرکزی در نظریه‌های ژئوپلیتیک"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 73.
12. دیلمی معزی، امین (1387)، "آسیای مرکزی و قفقاز در سیاست جهانی، تعامل ژئواکونومی و ژئوپلیتیک"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و سوم، شماره 5 و 6.

13. داداندیش، پروین (1386)، "گفتمان ژئوپلیتیک در آسیای مرکزی: عرصه تعامل ایران و روسیه"، فصلنامه ژئوپلیتیک- سال سوم، شماره اول، بهار.
14. راعی دهقی، مرتضی (1386)، "روسیه و اتحاد اروپایی: استراتژی متقابل انرژی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 60.
15. سنایی، مهدی (1386)، "همکاری منطقه‌ای در آسیای مرکزی و نقش ایران"، مجموع مقالات چهاردهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، سازمان همکاری شانگهای: فرصت‌های پیش رو، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
16. شریبانی، قوام (1387)، "امنیت ایران و رویکرد ناتو در آسیای مرکزی"، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
17. کوهن، سائول برنارد (1387)، "ژئوپلیتیک نظام جهانی"، مترجم عباس کردان، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران.
18. قوام، عبدالعلی (1384)، "فرهنگ: بخش فراموش شده و یا عنصر ذاتی نظریه روابط بین‌الملل"، فصلنامه سیاست خارجی، سال نوزدهم، تابستان.
19. محمودی، مرتضی (1386)، "آسیای مرکزی و رشد همکاری چند جانبه ایران و تاجیکستان"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 58.
20. مجتهد زاده، پیروز، (1379)، "ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی"، چاپ اول، تهران، نشر نی.
21. نوروزی، حسین (1386)، "ماهنامه تحولات روسیه"، آسیای مرکزی و قفقاز، شهرپور و مهر.
22. یانگ، جمیان و سایرین (1386)، "ظهور منطقه‌گرایی آسیایی و تحول در نظام بین‌الملل (اندیشه‌ها و دیدگاه‌های علمی چین)"، ترجمه بدر الزمان شهبازی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.

23. Cohen, S.B.(2004), "The 2003 Annual Political Geography Lecture - Geopolitical Realities and United States Foreign Policy", Political Geography.

24. Cohen, Saul B.(1994), " Geopolitical in the New World Era ", Chapter 2 from recording the world, Edited by: George J. Demko and William B. Wood, USA: West View Press.

25. Cantori, Luis J, and Steven Spiegel (1970), " **The International Politics of Regions** ", A Comparative Approach, University of California, Engle Woods Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
26. Dikshit, Ramesh Datta (1995), " **Political Geography** ", New Delhi: Tata McGraw-Hill, Publishing Company limited.
27. Lake, David A. and Patrick M. Morgan (1997), " **Regional Orders: Building Security in a New World** ", Pennsylvania: The Pennsylvania, State University Press.